بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)

**توضیح ضابطه‌ی شیخ انصاری**:

ضابطه پنجمی برای شبهه محصوره از کلمات مرحوم شیخ انصاری نقل کردیم. ضابط این بود که شبهه محصوره آن است که عقلاء به جهت کثرت اطراف به علم موجود در اطراف شبهه ترتیب اثر ندهند. این ضابطه را شاید بتوان گفت قوی ترین ضابطه‌ای است که برای شبهه غیر محصوره مطرح شده است. از طرف دیگر این ضابطه برای بعض محققان از اصولیان تبدیل به یک دلیل هم شده بر عدم تنجز علم اجمالی در شبهات غیر محصوره که می‌گویند بناء عقلاء بر این است که هر جا کثرت اطراف باشد در علم اجمالی، به علم موجود اعتنا نمی‌کنند و آن علم منجز نیست.

ما این ضابطه را تحلیل میکنیم.

آیا بناء عقلاء بر این است که خود کثرت اطراف باعث می‌شود به علم اجمالی اعتنا نکنند؟

دو نکته را اینجا دقت کنید:

**نکته اول:** مثال زدیم دیروز به فردی خبر می‌دهند جوانی فرض کنید در شهر قم تصادف کرده، احتملال اینکه این جوان فرزند او باشد وجود دارد، مع ذلک چون کثرت اطراف است عکس العمل نشان نمی‌دهد و جستجو نمی‌کند، معلوم می‌شود عقلاء این علم اجمالی را منجز نمی‌دانند. اما اگر همین‌جا بگویند یکی از جوانهای کوچه شما تصادف کرده، فورا عکس العمل نشان می‌دهد .

برای اینکه تحلیل کنیم این قضیه را به این مطلب توجه کنید که بعض اوقات شک بدوی است، حتی علم اجمالی نیست اما این توجه و اضطراب و عکس العمل نشان دادن، وجود پیدا می‌کند. زید فرزندش دیرتر از مدرسه به خانه می‌آید هیچ علم اجمالی هم ندارد و احتمال می‌دهد در طی مسیر اتفاقی برای فرزندش افتاده باشد، نفس این احتمال و شک بدوی بدون علم اجمالی موجب عکس العمل عقلاء می‌شود.

سؤال این است که چرا آنجا که علم اجمالی است از علم متأثر نمی‌شود و علم برایش منجز نیست؟ اینجا صرف احتمال سبب تحرک او می‌شود؟ پاسخش این است که گاهی چنان احتمال ضعیف است به تعبیر مرحوم آقا ضیاء و مرحوم نائینی چنان احتمال موهوم است که محل ابتلاء خودش را از اطراف علم اجمالی اصلا خارج می‌داند، لذا ترتیب اثر نمی‌دهد و توجیهاتی برای خودش دارد که مثلا فرزند من الآن سر کلاس است، لذا ترتیب اثر نمی‌دهد و الشاهد علیه در شک بدوی ترتیب اثر می‌دهد با اینکه علم اجمالی نیست، جهتش این است که محل ابتلاء خودش را از طرفیت علم اجمالی خارج می‌کند و الا اگر قرائنی پیدا کند که طرف علم اجمالی است دنبالش می‌رود.

**نکته دوم:** در بسیاری از موارد عدم اعتناء عقلاء به اطراف علم اجمالی به این جهت است که یک عنوان دیگری در کنار کثرت اطراف هست که آن عنوان سبب می‌شود عقلاءبه علم اجمالی با کثرت اطراف وقعی ننهند. مثل عنوان اضطرار یا عسر و حرج موارد زیادی داریم سؤال شود اجمالا می‌دانم لبنیاتی های قم بعضی‌شان بهداشت را رعایت نمی‌کنند، قصابی های شهر بعضی‌شان جهات شرعی و بهداشتی را رعایت نمی‌کنند، چرا مع ذلک از اینها استفاده می‌کنید؟ می‌گویند چاره‌ای نداریم، نمی‌توانیم هر روز برویم از شهر دیگری شیر تهیه کنیم و خودمان فرآوری کنیم و پنیر و ماست درست کنیم لذا اضطرار باعث می‌شود چشم پوشی کنیم از این مشکل. نتیجه‌ای که می‌خواهیم بگیریم این است که این ادعا که کثرت اطراف هر جا باشد فی نفسه عقلاء کثرت اطراف را سبب می‌دانند برای عدم تنجز علم اجمالی این را قبول نداریم . بناء عقلا یک دلیل لبی است و قدر متیقن دارد، قدر متیقن آنجا است که عقلاء با قرائنی مبتلا‌به شان را از اطراف علم اجمالی خارج بدانند، قدر متیقن موردی است که کثرت اطراف با عنوان دیگری عجین و همراه شود مانند اضطرار و عسر و حرج و امثال ذلک. لذا این ادعا که به عنوان ضابطه یا دلیل بگوییم کثرت اطراف موضوعی است که سبب می‌شود عقلاء به تنجز علم اجمالی وقعی ننهند، ما این را نمی‌توانیم قبول کنیم.

تا اینجا پنج ضابطه برای شبهه غیر محصوره ذکر شد از مرحوم شیخ انصاری و مرحوم نائینی و دیگران ذکر کردیم. هیچ یک از این ضوابط به نظر ما وافی به مقصود نبود.

**مطلب دوم:**

آیا ما نیاز داریم شبهه غیر محصوره را تعریف کنیم و ضابطه تعیین کنیم یا نه؟

پاسخ این است که قبلا هم اشاره کرده‌ایم هر عنوانی که در دلیل شرعی به عنوان موضوع یا در دلیل عقلی به عنوان موضوع قرار گرفت و حکمی بر آن مترتب شد، ما لازم است این موضوع را شناسایی کنیم و ضابطه تعیین کنیم. با این توضیح که اگر در آیه یا روایتی موضوعی وارد شد مثل «فی المعدن الخمس» یا «تیمموا صعیدا طیبا »ما باید این موضوع را بشناسیم تا حکم مترتب بر آن روشن شود، اگر موضوع در معاقد اجماعات قرار گرفت، اجماعات تعبدیه باید آن موضوع را بشناسیم چون اجماع تعبدی خودش حکم می‌آورد نسبت به آن موضوع و ما باید محدوده آن موضوع را بدانیم. اگر موضوع و عنوانی که محط حکم عقل بود، باید ضابطه آن را بشناسیم چون به قانون ملازمه آن موضوع محط حکم شرعی هم هست. الظلم قبیح به حکم عقل اینجا ظلم را باید بشناسیم، چون «کلما حکم به العقل حکم به الشرع».

اگر موضوعی محل سیره عقلاء یا متشرعه بود باز باید آن را بشناسیم، محدوده را بشناسیم.

حال باید بررسی کنیم عنوان شبهه غیر محصوره در آیه یا روایتی آمده که «لاتحتط فی الشبهة الغیر المحصوره». چنین چیزی نداریم، نسبت به اینکه آیا أحد معاقد اجماع هست این عنوان مرحوم شیخ انصاری ادعا می‌کنند اجماع منقول مستفیض داریم که در شبهه غیر محصوره تکلیف منجز نیست[[2]](#footnote-2) مرحوم وحید بهبهانی در حواشی شان می‌فرمایند «من المسلمات عند الاصحاب».[[3]](#footnote-3)

**نقد دلیل اجماع**:

توجه کنید این اجماع صغری و کبری مورد تأمل است.

**اولا:** کدام اجماع؟ مسأله‌ای را که جمع کثیری از علماء متقدم اصلا اشاره به آن نکرده‌اند، چگونه ادعای اجماع مطرح شود؟

**ثانیا:** مجمعین خودشان دلیل اقامه می‌کنند که چرا در شبهه غیر محصوره تکلیف منجز نیست و اجماع مدرکی است نه تعبدی، بعضی مانند شیخ انصاری می‌فرمایند در کثرت اطراف عقلاء علم را کلا علم می‌دانند. بعضی محققان به روایات تمسک می‌کنند، مانند روایات وارده در جُبُن و پنیر که می‌رسیم، می‌گویند به جهت این روایات می‌گوییم در شبهه غیر محصوره علم اجمالی منجز نیست و احتیاط ندارد. بعضی مانند مرحوم آخوند می‌گویند کثرت اطراف همراه می‌شود با حرج لذا به جهت عنوان حرج است که می‌گوییم علم اجمالی منجز نیست در کثرت اطراف .

فعلیه اجماع تعبدی هم در مسأله نداریم که بگوییم چون جزء معاقد اجماعات است باید این موضوع را ضابطه مند کنیم و ضابطه را بیان کنیم.

آیا این موضوع در روایات وارد شده یا مستفاد از روایات است توضیحی دارد که روز شنبه متعرض خواهیم شد.

1. . جلسه بیست و سوم –‌‌‌ مسلسل 141، دوشنبه – 12/8/1399 [↑](#footnote-ref-1)
2. . فرائد الاصول ؛ ج‏2 ؛ ص430: و المعروف فيها عدم وجوب الاجتناب و يدل عليه وجوه‏ ،الأول الإجماع الظاهر المصرح به في الروض و عن جامع المقاصد و ادعاه صريحا المحقق البهبهاني رحمه الله في فوائده و زاد عليه نفي الريب فيه و أن مدار المسلمين في الأعصار و الأمصار عليه و تبعه في دعوى الإجماع غير واحد ممن تأخر عنه و زاد بعضهم دعوى الضرورة عليه في الجملة و بالجملة فنقل الإجماع مستفيض و هو كاف في المسألة. [↑](#footnote-ref-2)
3. . الفوائد الحائرية ؛ ص247: و في غير المحصورة: لا يحصل العلم غالبا بأنّ النّجاسة وقعت فيها بحيث يكون نسبتها إلى الكلّ على السّويّة، بحيث يصير الكلّ مقدّمة للتّرك حيث الخطاب. فليتأمّل. مع أنّ عدم وجوب الاجتناب عن غير المحصور مجمع عليه بين الكلّ، و لا ريب فيه، و مدار المسلمين‏ في‏ الأعصار، و الأمصار كان على ذلك، و قد حقّقناه في موضع آخر. [↑](#footnote-ref-3)